

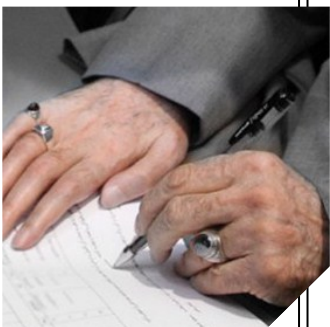
چرا به این



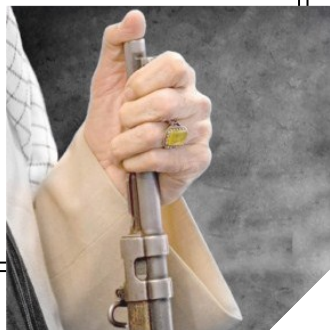
سوال



باید پاسخ داد؟



پاسخ به یک سوال اساسی در جامعه اسلامی



- رهبری و آگاهی از مشکلات موجود/۳
- سوال خیلی از مردم/۳
- چرا به این سوال باید پاسخ داد؟/۳
- فتنه ۸۸ و تاریخ اسلام/۴
- اصل مطلب اینجاست/۴
- جنایت خالد بن ولید/۴
- برخورد پیامبر با خالد بن ولید/۵
- رهبر جامعه و مردم/۵ نمونه ی دیگر.../۵
- آیا عمال امیرالمومنین(ع) آدم های
- ناشایستی بوده اند؟/۶
- پیامبر و قضیه ی ترور/۶
- نمونه دیگر (خوارج)/۷
- انتقاد وارد خوارج به امام علی(ع)/۷
- برخورد رهبر با افراد مختلف/۷
- اشارات پیامبر(ص)/۸
- نمونه دیگر (عبد الله ابن ابی)/۸
- نمونه دیگر (غدیر خم)/۸
- رفتار امام زمان چگونه خواهد بود؟/۹
- جواب چیست؟/۹
- آیا اخلاق امام زمان با اخلاق
- پیغمبر فرق می کند؟!/۹
- فلسفه ی هدایت بشر /۱۰
- و امام زمان.../۱۰
- مشکل ما.../۱۰
- صدا و سیما.../۱۱

- معرفی کتاب/۱۲
- بصیرت گوهر آخرالزمان/۱۳-۱۵



اشاره

این جزوه سخنرانی حجت الاسلام علیرضا پناهیان است که به بررسی مشکلات رهبران جامعه اسلامی در راه هدایت جامعه می پردازد در این سخنرانی ایشان به زیبایی و با استفاده از منابع عبرت آموز و مغفول تاریخی به این پرسش تاریخی جواب می دهد که چرا رهبران جامعه ی اسلامی در طول تاریخ در حل مشکلات جامعه اینقدر دچار مشکل هستند؟ و راه حل این مشکل در کجاست؟

مطالب ارائه شده در این سخنرانی در حال حاضر می تواند بسیار راه گشا و بصیرت آفرین باشد و تکلیف را برای همه ما و خصوصا خواص اهل حق معلوم کند.

همچنین بخش دوم شامل سخنانی از رهبر معظم انقلاب پیرامون بحث اساسی بصیرت به ضمیمه این سخنرانی درآورده شده است.

امید داریم که این جزوه کمکی هر چند ناچیز با تایید حضرت صاحب الامر علیه السلام در واضح کردن فضای جامعه و رسالت و وظیفه ی نخبگان بنماید.

سوالات، نظرات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید:

vareseen.ir

Reddawn.blog.ir

آیا رهبری از مشکلات موجود در مملکت خبر دارند؟

رهبری و آگاهی از مشکلات موجود

- چرا آقا صدا و سیما را که زیر نظر خودشان هست درست نمی‌کنند؟

- مگر ایشان قدرت تامه ندارند پس بیایند و مشکلات را حل کنند؟

اگر مقام معظم رهبری مشکلات را می‌دانند پس چرا آنها را حل نمی‌کنند و اگر هم از مشکلات خبر ندارند این هم خیلی بد است که رهبر مملکت مشکلات را ندانند؛ خلاصه ی سوال این است که گرفتاری‌ها را در نقطه ی رهبری جامعه متمرکز می‌کنند. در زمان امام هم این حرف، حرف مردم بود چون بالاخره بنده به عنوان آدمی که بین مردم زندگی می‌کنم و ارتباطات عمومی ام شاید بیشتر از مسوولین باشم، هر جا برای منبر می‌روم بلافاصله مردم قبل و بعد از منبر با من صحبت می‌کنند. چند روز پیش می‌خواستم جایی منبر روم ۷-۸ نفر قبل از منبر آمدند و سوال کردند و اتفاقاً یکی از سوالات این بود که چرا آقا صدا و سیما را که زیر نظر خودشان هست درست نمی‌کنند؟

سوال خیلی از مردم

بنده از شما سوال می‌کنم که آیا اکثر مردم این سوال را دارند؟ سوال می‌کنند که آیا رهبری از مشکلات موجود در مملکت خبر دارند؟ این یک شیوه ی ارزیابی و حل مسئله است؛ این یک شیوه ی راه حل جستن برای موضوع است، یعنی در این سوال مطرح می‌شود که رهبری باید این مشکلات را حل کنند، این که مگر ایشان قدرت تامه ندارند پس بیایند و مشکلات را حل کنند؟

چرا به این سوال باید پاسخ داد؟

اگر این سوال جواب داده نشود آدم‌ها خیلی راحت می‌توانند بگویند رهبری اصلاً

سایستگی ندارند؛ پس این رهبری اشتباه کرده اند. و بعدا هزار حرف دیگر می

تواند مطرح شود. من از شما تقاضا می کنم اگر این سوالات به ذهن آمد حتما بپرسید، حتما یک آدم فهیمی پیدا کنید و بپرسید. بنده به سهم خودم سعی می کنم به این سوال جواب دهم یا لاقلا مقدماتی علمی برای پاسخ مطرح کنم.

فتنه ۸۸ و تاریخ اسلام

دیشب منزل یکی از دوستان رفته بودم که پسرش در درگیری های سال ۸۸ دستگیر شده بود و در زندان کشته شده بود یا بهترست بگویم بر اثر بی اعتنایی زندان بان ها در فتنه ی سال ۸۸ فوت کرده بودند. ایشان که عضو هیئت علمی هستند در جلسات بنده شرکت می کنند و گفتند همسرشان هم به جلسات بنده می آیند. صحبت دوستانه می کردیم به دور از روزنامه ها و خبرگزاری ها، به بنده گفتند خیلی از خبرگزاری های خارجی و داخلی آمدند و سعی کردند از ما علیه نظام مصاحبه ای بگیرند ما به هیچ عنوان این کار را نکردیم. مادر این پسر به من گفت: ((مگر می شود در مملکت اسلامی مسئولینی باشند که به جان آدم ها بی اعتنایی کنند این را چه طور برای خود توجیه کنیم؛ ما مقاومتمان را در برابر دشمن کرده ایم اما این مسئله را برای خود چگونه حل کنیم؟))

اصل مطلب اینجاست

ببینید من رفتم سر اصل مطلب؛ به ایشان گفتم بله در مملکت اسلامی می شود همچنین اتفاقاتی بیفتد. گفتند در حکومت امیرالمومنین هم از این اتفاقات افتاده است؟

گفتم: بالاتر از امیرالمومنین (ع) در زمان رسول اکرم(ص) هم از این دست اتفاقات افتاده است.

جنایت خالد بن ولید

رسول اکرم(ص) "خالد بن ولید" را مامور کردند و گفتند: شما برو به فلان دیار و اگر آنها مسلمان نبودند آن ها را به اسلام دعوت کن و اگر جنگیدند با آن ها بجنگ و اگر اسلام را قبول کردند برگرد، اگر مسلمان بودند که هیچ، زکات را از آن ها بگیر و بیاور و سلام من را به ایشان برسان. خالد که تازه مسلمان شده بود و از قبل هم کینه ای از آنها در دل داشت به آن منطقه رفت و دید آنها خیلی وقت است که مسلماند و نماز می خوانند و مسجد دارند و باید زکات را می گرفت و بر می گشت اما به یاد کینه خود افتاد و بهانه ای راه انداخت و جنگی به پا کرد و حدودا ۳۰ نفر را کشت و کلی خرابی به بار آورد.

• مگر می شود در مملکت اسلامی مسئولینی باشند که به جان آدم ها بی اعتنایی کنند این را چه طور برای خود توجیه کنیم؛ ما مقاومتمان را در برابر دشمن کرده ایم اما این مسئله را برای خود چگونه حل کنیم؟

• در زمان رسول اکرم(ص) هم از این مشکلات بوده است.

چه فاجعه ای از این بالاتر که کسی از طرف رسول خدا مسلمان های مظلوم را می کشد. اگر ما بودیم حتما بیابیه علیه پیغمبر صادر می کردیم که یا رسول الله(ص) این چه طرز حکومت است و عمال تو چه کرده اند؟!

مادر این جوان کشته شده پرسید: واقعا؟! پیغمبر چه کرد؟

برخورد پیامبر با خالد بن ولید

گفتم: پیغمبر خالد بن ولید را اعدام نکرد، چون خیلی از احکام را نمی شود اجرا کرد. (که بعدا راجع به دلیل آن صحبت می کنم) رسول اکرم(ص) دست های خود را بالا برد و بلند و در حضور مردم فرمود: خدایا تو شاهدی من از کار خالد بیزارم و بعد صدا زد علی جانم تو برو و جبران کن تا جایی که می شود. حتی اگر ظرف خوراک سگ آنها شکسته آن را هم جبران کن .

مادر فرزند از دست داده گفت: پس چرا پیغمبر از ابتدا خالد را فرستاد؟

رهبر جامعه و مردم

اینجا یک بحث بسیار علمی و دقیق مطرح می شود. و آن اینکه یک پیامبر یا رهبر زیاد نمی تواند از حد مردم خودش جلوتر برود و مسئولیتی که برای مردم می گذارد کسانی در حد خود مردم هستند. اتفاقا در جامعه ی ما خیلی از این مسئولین را خود مردم انتخاب می کنند. امام تا دقیقه ی نود از بنی صدر حمایت کرد، اصلا اسناد اینکه با سازمان سیا همکاری می کند در آمده بود. در یکی از نامه ها تنها کسی که بر سر مقدار حقوق خود با سیا چانه زده بود، همین آقای رئیس جمهور ما بود. ولی، امام(ره) فرمود: مردم باید ببینند چه کسی را انتخاب کرده اند. در زمان پیغمبر درست است که انتخابات نبود اما خالد بن ولید یکی از افراد برجسته جامعه بود .

نمونه ی دیگر...

عمرو عاص از فرماندهان سپاه پیغمبر بود و اتفاقا او را برای جهاد می فرستاد و خراب می کرد و بر می گشت حالا نمی توان گفت چرا پیغمبر عمرو عاص را می فرستاد و به جای او علی را نمی فرستاد. اتفاقا رسول خدا بعد از این که عمرو عاص خراب کرد آمد علی بن ابیطالب را فرستاد و علی(ع) خوب عمل کرد اما عمرو عاص و اطرافیانش شری به پا کردند که چرا پیغمبر علی را فرستاده، مگر کار ما چه ایرادی داشت. خب ایراد کار آن ها همین بود که نتوانستند کاری کنند .

یک امام نمی تواند برای اداره مملکت از فرشته های آسمانی استفاده کند و از آدم های درب و داغونی مثل ما ها استفاده می کند. یکی را برداشته و دیگری را به جای

• برو به فلان دیار و

اگر آنها مسلمان

نبودند آن ها را به

اسلام دعوت

کن ...

• فرستاده ی پیامبر

بهانه ای راه

انداخت و جنگی

به پا کرد و ۳۰ نفر

را کشت!

• پیغمبر، خالد بن

ولید را اعدام نکرد!

• پس چرا پیغمبر از

ابتدا خالد را

فرستاد؟

او می‌گذارد، یکی از یکی بهتر و یکی از یکی بدتر .

آیا اعمال امیرالمومنین (ع) آدم‌های ناشایستی بوده‌اند؟

چند مثال برای شما می‌زنم :

یکی از افرادی را که امیرالمومنین (ع) نصب کرد نماینده‌ی خودش در مذاکره با معاویه بود که به معاویه می‌خواست بگوید ای معاویه بیا و تن به حکم مردم بده و ایالت مستقل درست نکن و به مسلمان‌ها ظلم نکن. مالک اشتر اعتراض کرد به اینکه چرا این آدم را انتخاب کردی چون معاویه او را فریب می‌دهد چون این آدم ضعیف است و تمام اعتراضات وی به علی بن ابیطالب وارد بود و اتفاقاً از معاویه فریب خورد. این نیست که امیرالمومنین تحلیل سیاسی نداشت بلکه طبق مصالحی عمل می‌کرد که مالک نمی‌توانست آن مصالح را درک کند. وقتی این نماینده از پیش معاویه برگشت معاویه خود را برای جنگ آماده کرده بود، مالک اشتر به علی (ع) می‌گفت بیا جنگ را شروع کنیم چون این دارد اذیت می‌کند .

امیرالمومنین (ع) قبول نمی‌کرد و می‌فرمود طبق قوانین ما و قوانین جنگی، نماینده‌ی ما دارد آن‌جا مذاکره می‌کند پس ما نمی‌توانیم جنگ را شروع کنیم. امیرالمومنین (ع) قانون مند عمل کرد و ضربه هم خورد. پس از اینکه نماینده بازگشت و ادعا کرد که معاویه را نتوانسته قانع کند مالک جلوی علی (ع) بر سر نماینده داد زد و گفت به جای تو من باید می‌رفتم و تو عرضه نداشتی .

برای این که بفهمیم چرا آدمی مثل امیرالمومنین (ع) انتصاب ضعیف دارد باید برگردیم به تاریخ و آن را مرور کنیم .

پیامبر و قضیه‌ی ترویر

چرا پیامبر در قضیه جنگ تبوک آن ۱۲ نفری که می‌خواستند ایشان را از تپه به پایین بیاورند و مرگ او را طبیعی جلوه دهند را حتی افشا نکرد چه رسد به این که اعدام شان کند. حذیفه داستان را کامل نقل می‌کند : خود رسول الله به حذیفه فرمودند: مردم بعداً خواهند گفت پیامبر یاران خود را کشت. چه مصالحی دست یک امام و پیغمبر معصوم را می‌بندد. حتی دست یک غیر معصوم را. صرف این که همچنین اتفاقی بیفتد آن حکومت باطل است ممکن است دلایلی وجود داشته باشد .

باید مبنای سوال مشخص باشد، آیا در یک حکومت نباید مسئول ضعیف وجود داشته باشد؟ پس زمان رسول الله را چه می‌گویید؟

- رهبر نمی‌تواند از حد مردم خودش جلوتر برود و مسئولینی که برای مردم می‌گذارد کسانی در حد خود مردم هستند.
- مالک اشتر اعتراض کرد که چرا این آدم را انتخاب کردی؟ معاویه او را فریب می‌دهد .
- تمام اعتراضات مالک به علی بن ابیطالب وارد بود.
- امیرالمومنین قانونمند عمل کرد و ضربه هم خورد.

زمانی که سریال امیرالمومنین (ع) پخش می‌شد من در دانشکده ی هنر بودم که یکی از دانشجویان گفت من به این سریال اشکالاتی دارم، یک مقدار حضرت علی (ع) را شل نشان می‌دهد، ما یک علی بن ابیطالب مقتدر و قاطعی در ذهن داشتیم که آن را در ذهن ما شکست. این امامی که این‌ها نشان می‌دهند مردد است و مشکلات را نمی‌تواند حل کند. در حالیکه دائماً عذرخواهی می‌کرد این حرف‌ها را می‌زد. گفتم اتفاقاً عذرخواهی نمی‌خواهد بلکه واقعیت تاریخ همین است. گفت: چرا ما فکر می‌کردیم علی (ع) هر مشکلی بیش می‌آمد را قاطعانه حل می‌کرد؟

• برای این که بفهمیم چرا آدمی مثل امیرالمومنین (ع) انتصاب ضعیف دارد باید برگردیم به تاریخ و آن را مرور کنیم.

گفتم: شما اشتباه می‌کردید. گفت: مگر حضرت علی (ع) با یکی از والیان که سر سفره ی ثروتمندان می‌نشست قاطعانه برخورد نکرد؟ پرسیدم: مگر چه کرد؟ گفت: نامه نوشت!

گفتم: مگر نامه نوشتن برخورد قاطعانه است؟! باید می‌رفت گردش را می‌شکست!

• یکی از دانشجویان پرسید در فیلم امام علی (ع)، چرا حضرت را "شل" نشان می‌دهد، ما یک علی بن ابیطالب مقتدر و قاطعی در ذهن داشتیم.

نمونه دیگر (خوارج)

خوارج که علیه امیرالمومنین (ع) قیام کردند همه توسط وی کشته شدند. خوارج از شهر کوفه بلند شدند. شما فکر کنید اگر از تهران ۱۰ میلیونی ۴ هزار نفر کشته شوند چه می‌شود؟! (خدا نکند همچنین اتفاقی رخ دهد) کوفه مگر چند نفر بود که ۴ هزار نفرشان کشته شد، این‌ها زن و بچه نداشتند؟

انتقاد وارد خوارج به امام علی (ع)

یکی از اعتراضات خوارج به حضرت علی (ع) این بود که می‌گفتند این اشعث در کنار شما چه کار می‌کند. آیا خوارج در مورد اشعث اشتباه می‌گفتند؟ ۳-۴ دلیل بیاورم درباره ی بد بودن اشعث. دخترش امام حسن (ع) را کشت، پسرش امام حسین (ع) را کشت و ابن ابی‌الحدید می‌گفت: هر فتنه‌ای که در حکومت علی رخ می‌داد دلیلش اشعث بود و دلیل اضافه ی چهارم این که آخرین کسی که حضرت امیر را وادار کرد به مصالحه با معاویه در حالی که یکی دو روز دیگر اگر می‌جنگیدند به نتیجه می‌رسیدند همین اشعث بود. پس خوارج راست می‌گفتند. پس چرا حضرت علی نمی‌پذیرفت؟!

• ابن ابی‌الحدید می‌گفت: هر فتنه‌ای که در حکومت علی رخ می‌داد دلیلش "اشعث" بود.

برخورد رهبر با افراد مختلف

جز مصلحت‌هایی که رهبری یک جامعه در تحمل آدم‌های بد دارد یک مسئله ی دیگر هم هست این که مومنین یا ضعیف‌اند یا بد، برخورد اما جامعه با منافقین و

مومنین ضعیف در ابتدا مداراست. برخورد با عطفوت و مهربانی حتی با منافقین.

پیامبر اکرم (ص) مهربانانه برخورد می‌کردند. برخورد با اشارت، مردم باید با اشاره مطلب را بگیرند، هیچ وقت پیامبر و امام علی (ع) با مردم صریح صحبت نکردند.

اشارات پیامبر (ص)

یک بار پیامبر با مردم قهر کردند اما مردم مطلبی را که باید بگیرند، نگرفتند، یکی از منافقین به نام عبدالله بن ابی اهل سنت هم قبول دارند منافق هست. و می‌خواست در مدینه جنگ به پا کند و بین انصار و مهاجرین اختلاف بیاندازد. خبر به پیغمبر رسید. به زید بن ارقم فرمود: شاید تو ناراحتی از دست عبدالله بن ابی و اینگونه راجع به او صحبت می‌کنی و شاید اشتباه شنیده باشی و شاید برداشت تو اشتباه بوده است. اما رسول الله با حسن ظن برخورد کردند بطوری که در مدینه پیچیده بود که پیغمبر آدم ساده ای است و رسول الله گوش (اذن) است که این اصطلاح بدی بود.

وحی نازل می‌شود درباره عبدالله بن ابی و خداوند آیه‌هایی (سوره منافقین) را درباره ی بدی او نازل می‌کند. پیامبر به زید بن ارقم می‌گوید: خوش به حال تو شد که آیه نازل شد و حرف تو تایید شد.

نمونه دیگر (عبد الله ابن ابی)

کاروانی که از جنگ برمی‌گشت و داشت استراحت می‌کرد، بعد از ظهر وسط آفتاب پیامبر دستور حرکت دادند. پیرمردی گفت یا رسول الله الان چه وقت حرکت است؟ پیامبر با اخم فرمودند: می‌بینید که امامتان چه می‌گوید. که دیگر همه ساکت شده و حرفی نزدند و دیدند پیغمبر ناراحت است و هیچ کس عبدالله ابن ابی را مواخذه نمی‌کند. و پیغمبر تا فردا صبح به راه خود ادامه دادند و به کسی استراحت ندادند و غضب در چهره ایشان مشخص بود. مردم اشاره‌های وی را نمی‌گرفتند و ایشان هم صریح تر نگفتند. سوال اینجاست که چرا مردم وقتی اشارت‌های پیامبر را می‌دیدند، ریشه‌ی نفاق را از بین نبردند؟!

نمونه دیگر (غدیر خم)

آن جایی که باید صریح بگویند من کنت مولا فهدا علی مولا ۳ مرتبه رسول الله از خدا خواستند تا اجازه دهد این قدر صریح نگویند و در آخر تحت دستور و امر خداوند که اگر ابلاغ نکنی تمام رسالت را ابلاغ نکرده ای این کار را انجام می‌دهند.

• مردم باید با اشاره مطلب را بگیرند، هیچ وقت پیامبر و امام علی (ع) با مردم صریح صحبت نکردند.

• پیامبر با مردم قهر کردند اما مردم مطلبی را که باید بگیرند، نگرفتند.

• در غدیر پیغمبر از خدا خواستند تا اجازه دهد این قدر "صریح" نگویند.

رفتار امام زمان چگونه خواهد بود؟

آیا در زمان امام زمان (عج) اخلاق امام پس از ظهور مثل امیرالمومنین (ع) و پیامبر (ص) با مهربانی و سعه‌ی صدر و زبان اشارت است یا حضرت با اخلاق و منش دیگری رفتار می‌کنند؟ اگر اینگونه باشد که دوباره منافقان پدر حکومت اسلامی را در میاورند، اگر اینگونه نباشد اخلاق امام زمان نوعاً بالله بدتر از رسول اکرم یا امیرالمومنین است؟ اگر با اشاره با مردم صحبت کنند دوباره منافقین همان مشکلات را ایجاد می‌کنند.

جواب چیست؟

پاسخ یکی از حضار: اخلاق امام زمان پس از ظهور مانند امام حسین (ع) است و با معاندین می‌جنگند.

پناهیان: می‌دانید که امام حسین (ع) جنگ به پا نکرد، ایشان می‌خواستند به کوفه بروند که آنها ریختند و با ایشان جنگیدند. امام حسین خیلی متفاوت تر از امام حسن (ع) برخورد نکرد، امام حسن (ع) فرمود: مردم اگر جنگ نکنند ما صلح می‌کنیم، امام حسین (ع) هم همین را گفت ولی آن نامردان ایشان را کشتند. البته امام حسین (ع) از خود دفاع کرد و ذلیانته دست بیعت نداد و ذلیانته کشته نشدند. ولی مردم در زمان امام حسین (ع) نسبت به زمان امام حسن (ع) بدتر شده بودند و این مردم بودند که امام حسین (ع) را کشتند. اما امام زمان (عج) این کار را نمی‌کند، امام زمان همه‌ی بدها را نابود می‌کند.

اینجا این سوال را می‌پرسم که آیا اخلاق امام زمان با اخلاق پیغمبر فرق می‌کند؟

چرا ائمه‌ی هدی مثل امیرالمومنین (ع) با اشاره با مردم حرف می‌زدند؟

امیرالمومنین فرمود پای رکاب من منافق هست، بروید و بشناسید. خب چرا توضیح نمی‌دهند که این منافق «اشعث» است و بگیرند و او را اعدام کنند، چرا با اشاره صحبت می‌کنند؟ و صریحاً دستور نمی‌دهند؟

این اشاره یعنی احترام به مردم و مردم باید رشد کنند. هیچ وقت بنا نیست گروهی از آدم‌های خوب بیایند و مردم را اداره کنند. خیلی از مردم ما این را می‌خواهند که رهبری خودش گروهی از بهترین‌ها را جدا کند و با آن‌ها مملکت را اداره کند و مشکلات را حل کنند. ببخشید پیغمبر اکرم و امیرالمومنین هم این کار را نکردند.

هیچ وقت بنا

نیست گروهی از

آدم‌های خوب

بیایند و مردم را

اداره کنند. خیلی از

مردم ما این را می

خواهند که رهبری

خودش گروهی از

بهترین‌ها را جدا

کند و با آن‌ها

مملکت را اداره کند.

پیغمبر اکرم و

امیرالمومنین هم

این کار را نکردند.

فلسفه‌ی هدایت

بشر این است که

شما به مردم اجازه

دهید که درک خود

را نشان دهند.

فلسفه ی هدایت بشر

فلسفه ی هدایت بشر این است که شما به مردم اجازه دهید که درک خود را نشان دهند. سوال اگر مردم درک خود را نشان ندادند چه می‌شود؟ پاسخ این است که امام حسین به گودی قتلگاه می‌رود. همین است که پیامبر اکرم مظلوم واقع می‌شود به طوری که می‌فرمایند هیچ کس به اندازه ی من اذیت نشد . امیرالمومنین مظلوم می‌شوند. حقیقت این است که اولیای خدا نمی‌خواهند به جای مردم باشند و عمل کنند .

و امام زمان...

آیا امام زمان با زبان اشاره با مردم سخن نمی‌گویند؟ خیر ایشان با اشاره صحبت می‌کنند و اخلاقشان در صبر و سعه ی صدر با پیامبر هیچ فرقی نمی‌کند. پس چرا این مشکلات نفاق در زمان امام زمان نیست؟! به دلیل اینکه مردم در زمان امام زمان به رشدی می‌رسند که اشاره های حضرت را می‌گیرند و منافقین را از دم تیغ می‌گذرانند .

در روایات آمده دو بار گروهی از سربازان خود حضرت توسط امام زمان گردن زده می‌شوند. اینها سربازان عادی نیستند بلکه فرماندهانی هستند که دو بار پای رکاب حضرت جنگیده اند اما طبق دستور گردنشان زده می‌شود. و مردم از آن برداشت غلطی نخواهند داشت ولی دیدیم که در زمان پیامبر ایشان از ترس حرف مردم کسانی را که قصد داشتند او را بکشند را به مردم معرفی نکردند. امیرالمومنین یار خیانتکار خود را نمی‌توانست اعدام کند .

مشکل ما...

بخشی از مشکلات ما این است که مردم رشد کافی ندارند و بخشی مربوط به این است که برخی از مسئولین اول خوب اند ولی بعدا بد می‌شوند. رهبری یا امام نمی‌تواند آدم بدها را قلع و قمع کند .

اگر حضرت امام بنی صدر را زود قلع و قمع می‌کرد هیچکس نمی‌توانست در تاریخ به قانونمند بودن این کشور احترام بگذارد و می‌گفتند اینها هر کسی را که

• **حقیقت این است که اولیای خدا نمی‌خواهند به جای مردم باشند و عمل کنند.**

• **آیا امام زمان با زبان اشاره با مردم سخن نمی‌گویند؟ خیر ایشان با اشاره صحبت می‌کنند و اخلاقشان در صبر و سعه ی صدر با پیامبر هیچ فرقی نمی‌کند. پس چرا این مشکلات نفاق در زمان امام زمان نیست؟!**

مطابق سلیقه شان نباشد از دم تیغ می‌گذرانند. ولی بنی صدر را آنقدر نگه داشت تا حرمت قانون بالا رود تا در آینده بتوان به این قانون تمسک جست و اختلافات زیادی بر سر قانون نباشد. خیلی‌ها انتظار داشتند که رهبری خلاف قانون عمل کند و انتخابات را باطل کند. آقا می‌فرمود: چه دلیل قانونی ای وجود دارد که ما این کار را انجام دهیم. امام هم همین کار را کرد.

• **آقای رفسنجانی می‌گفت من چند بار پیش امام گریه کردم که بنی صدر را عزل کنید ولی امام قبول نکرد.**

آقای هاشمی رفسنجانی می‌گفت من چند بار پیش امام گریه کردم که بنی صدر را عزل کنید ولی امام قبول نکرد. آخر هم فرمودند: چون قدرت استیضاح دارید بروید و با استیضاح رئیس‌جمهور را عزل کنید. بنی صدر طرفدار داشت و اگر طرفداران خود را به خیابان می‌آورد. طرفداران او ۸۰ درصد بودند و طرفداران حزب الله ۲۰ درصد! اگر اینها به خیابان‌ها می‌آمدند تا مجلس شورای اسلامی کاری می‌کرد او قتل‌ها و شورش‌ها را انجام داده بود داشت از کشور خارج می‌شد.

• **مملکتی که توسط یک روحانی شاگرد پیامبر می‌خواهد هدایت شود باید به همان شیوه‌ی آن‌ها عمل کند، با زبان اشاره و سعه صدر و تسامح. پس چطور باید جلوی آدم‌های بد را گرفت؟ از طریق کودتا از بالا؟**

امام بنی صدر را طبق قانون عزل کردند. نگه داشتن بنی صدر توسط حضرت امام باعث بالا رفتن هوش مردم شد و آن‌ها رشد کردند در حالیکه امام با اشاره قبلا از بنی صدر حرف زده بود مردم باید می‌گرفتند.

مملکتی که توسط یک روحانی شاگرد پیامبر و ائمه می‌خواهد هدایت شود باید به همان شیوه‌ی آن‌ها عمل کند با زبان اشاره و سعه صدر و تسامح. پس چطور باید جلوی آدم‌های بد را گرفت؟ از طریق کودتا از بالا؟ نه! از طریق هوشیاری مردم. لذا آقا به هوشیاری و بصیرت بسیار توجه دادند.

صدا و سیما و...

در جواب آن جوانی که منتقد صدا و سیما بود باید بگویم درست است که رئیس صدا و سیما را رهبری قرار داده است ولی امیرالمومنین و پیامبر هم خیلی‌ها را نصب کردند که رفتارهای بدی داشتند اما خودشان انتظار داشتند مردم جلوی آنها را بگیرند. اگر رئیس صدا و سیما هم آدم خوبی باشد مگر او می‌تواند فیلم بسازد؟ فیلم را فیلمنامه نویس داریم. ما چند تا فیلمنامه نویس داریم که عمیقا مسائل دینی را بفهمند و قدرت این را داشته باشند آنها را به یک مجموعه خوب تبدیل کنند؟ آقا که خود نمی‌تواند خودش فیلمنامه بنویسد. مگر آقا مثل شهید احمدی روشن

متخصص مسائل هسته ای است؟ یا مثل طهرانی مقدم متخصص موشک است؟

اگر این‌ها نبودند مگر مقام معظم رهبری می‌توانست با ۳-۴ دستور موشک هوا کند؟! انتصاب بدون متخصص ممکن نیست. انشالله این متخصص خوب را شما بسازید و به امام جامعه کمک کنید که بتواند مشکلات را حل کند. باید اشاره‌ها را از امام گرفت. اما بعضی‌ها فکر می‌کنند همه چیز هلو پیر تو گلو ست در حالیکه در زمان امام عصر(عج) هم چنین نیست که ایشان ۳۱۳ فرشته‌ی آسمانی می‌آوردند و ظهور می‌کنند؛ اگر این‌طور بود باید تا الان ایشان می‌آمدند.

والسلام

• مگر آقا مثل شهید احمدی روشن متخصص مسائل هسته ای است؟ یا مثل طهرانی مقدم متخصص موشک است؟

معرفی کتاب

بصیرت واژه‌ای است که در ادبیات روزمره ما خصوصا پس از وقایع فتنه‌گون ۸۸ جایگاهی ویژه پیدا کرد. ولی پرداختن دقیق و عمگرایانه به این گوهر گرانسنگ مغفول ماند. کتاب "بصیرت و استقامت" با استفاده سخنان مقام معظم رهبری - به عنوان آگاه‌ترین فرد به ضرورت و نیاز به بصیرت و همچنین بزرگترین مطالبه‌گر بصیرت در برهه کنونی - تلاش کرده است به زیبایی هرچه تمام‌تر سخنان ایشان را دسته‌بندی و تدوین کند این کتاب که بیش از ۱۵۰ صفحه می‌باشد شامل نکاتی دقیق در رابطه با بصیرت می‌باشد و تاکنون بیش از ۱۵ بار تجدید چاپ شده است:

برخی عناوین کتاب:

- راه حصول بصیرت بصیرت شرط لازم است ولی کافی نیست.
- معنی بصیرت؟
- عواملی که باعث می‌شود با وجود بصیرت خطا و اشتباه ادامه پیدا کند.
- محنت‌های بزرگ تاریخ به خاطر بی‌بصیرتی یا بی‌صبری است.
- دشمنان امیرالمومنین چهره‌های موجهی بودند
- راه میانه‌ای بین حق و باطل
- بعضی به خاطر بی‌بصیرتی در جهنم می‌افتند نه بی‌ایمانی.
- جوان باید خودش را مسئول بدانند و ایمان و بصیرت داشته باشند.



حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت می‌روم.

این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همین طور عبور می‌کرد و می‌گفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما می‌خواست اصحاب بشنوند.

• یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوشی به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت می‌روم.

عاقبت بی بصیرتی

یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین (می ایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

عامل پیروزی قطعی

عامل پیروزی این است که یک جماعتی - در یک مقیاس بزرگ، یک ملت - ایمان درستی داشته باشد؛ و این ایمان راسخ باشد؛ و این ایمان با بصیرت همراه باشد، و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ اینها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است.

دلیل پیروز نشدن

آنجایی که شما می‌بینید مؤمنینی هستند و نصرت پیدا نمیکنند، به خاطر این است که یا ایمان ضعیف است، یا ایمان غلط است - ایمان به چیزی است که نباید به آن مؤمن بود - یا ایمان همراه با بصیرت نسبت به مسائل جهان و مسائل حول و حوش خودشان نیست. نداشتن بصیرت مثل نداشتن چشم است؛ راه را انسان نمیبیند. بله، عزم هم دارید، اراده هم دارید، اما نمی‌دانید کجا باید بروید. ... اگر بصیرت نبود، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشاند. کسی که علم ندارد، بصیرت درست ندارد به آنچه پیرامون او دارد میگذرد، گاهی

اوقات میشود که راه را عوضی طی میکند؛ همه‌ی نیروی او نه فقط هدر میرود، بلکه به کج‌راهه او را میرساند و میکشانند؛ پس بصیرت لازم است.

نصرت حتمی

• یا ایمان نیست،

یا ایمان درست

نیست، یا

استقامت نیست،

یا بصیرت

نیست.

عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راستخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت، و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است.

عامل عدم پیروزی

اینهایی که پیروز نمیشوند، یکی از اینها را ندارند: یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه‌راه بار را بر زمین گذاشتن است؛

طبعاً به نتیجه نمی‌رسند.

۹۲/۱۰/۱۹ و ۸۸/۵/۵

تهیه شده در مرکز فرهنگی وارثین Vareseen.ir

طراح و صفحه آرا: طلوع سرخ Reddawn.blog.ir

برای دریافت دیگر جزوات به
آدرس زیر مراجعه نمایید
Reddawn.blog.ir



بازخوانی تفکر انقلابی امام خمینی ره

لحظه شناسان و لحظه نشناسان تاریخ



اهل مودت ، پیرامون هیئت و هیئت داری

